



از امام رضا علیه السلام روایت شده که در بخشی از آن چنین آمده است:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ أَمْسُ الْإِسْلَامِ وَفِرْعَهُ السَّامِيُّ.»^۱

تحقیقاً امامت، اساس اسلام بالنده و شاخه سرزنده آن است.

توصیف اسلام به صفت نامی و بالنده در کلام امام، اشاره به این است که اسلام در جامعه اسلامی گاهی زنده و پویا و گاهی مرده و بی حرکت است و رمز زندگی و پویایی اسلام، تشکیل حکومت اسلامی به امامت و رهبری امام حق و عدل است.

امامت، اساس حرکت و حرکت آفرینی اسلام در جوامع اسلامی است و بدون آن، اسلام، اسلامی است بی ریشه و بی رشد و بی حرکت، اسلامی که نه تنها با شرک و کفر و منافع مشرکین و مستکبرین در تضاد نیست بلکه ابزاری است برای توجیه شرک و کفر و استکبار و در یک جمله به تعبیر رسای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، اسلام امریکایی است و به همین دلیل، اسلام بی ریشه و بی اساس از کفر و شرک خطرناکتر است.

نکته قابل تأمل در سخن امام رضا علیه السلام در تبیین جایگاه امامت این است که در این سخن، امامت هم به عنوان ریشه اسلام بالنده (أَمْسُ الْإِسْلَامِ السَّامِيُّ) و هم به عنوان شاخه سرزنده آن (وَفِرْعَهُ السَّامِيُّ) مطرح شده است، چگونه ممکن است که امامت، هم ریشه اسلام باشد و هم شاخه آن؟!^۲

پاسخ این است، که امامت به یک معنا اصل و ریشه اسلام و به یک معنا فرع و شاخه آن است، این دو معنا را در آیه ۲۴ از سوره مبارکه ابراهیم می توانیم ملاحظه کنیم، متن آیه این است:

«الَّذِينَ تَزَكَّىٰ يَنْفَتِحُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كَفَتْهُمْ كَفْرُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۳

نَاطِقٌ وَقَوْلُهَا فِي السَّمَاءِ.

آیا ندیدی خداوند چگونه مشالی زد؟ کلمه طَبِيَّة (سخن نیکو) چون نهال نیک است که ریشه اش در زمین استوار و شاخه اش رو به آسمان است.

در تفسیر عیاشی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تبیین این آیه کریمه روایت شده:

«بِعْنَى السَّامِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأُمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ هُمُ الْأَصْلُ الثَّابِتُ وَالْفِرْعُ، الْوَلَايَةُ لِمَنْ دَخَلَ فِيهَا.»^۴

قسمت نهم

مبانی رهبری در اسلام

حجة الاسلام والمسلمين محمدي ري شهري

در مقاله هشتم سخن به جایگاه رهبری در اسلام رسید و در این رابطه موقعیت امامت و رهبری از نظر قرآن کریم اجمالاً مورد بررسی قرار گرفت و اینک موقعیت رهبری از دیدگاه احادیث اسلامی مورد بررسی است:

جایگاه رهبری از نظر احادیث اسلامی

در احادیث اسلامی خصوصاً روایاتی که از طریق اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده، جایگاه رهبری جامعه اسلامی به گونه ای ترسیم گردیده که بدون آن، اسلام مفهوم واقعی خود را از دست می دهد و به صورت مکتبی بی اساس و بی روح درمی آید، تحت عناوین ذیل احادیث اسلامی در این زمینه را مورد بررسی قرار می دهیم:

اساس اسلام بالنده

در اصول کافی سخنان مبسوطی در تبیین جایگاه رهبری در اسلام



مقصود از ریشه استوار پیغمبر اسلام و امامان پس از اوست و شایسته، عبارت است از ولایت برای کسی که در آن وارد گردد.

کلمه طیبیه در آیه کریمه می تواند شامل هر نیک و پیاکی پربرکت اعم از انسان و عقاید و اخلاق و اعمال او باشد^۲ و در این روایت یکی از مهمترین مصادیق آن مورد عنایت است، مطابق این تفسیر، امامت به معنای رهبری امت و هدایت انسانها به کمال مطلق، ریشه شجره طیبیه توحید و اسلام ناب محمدی است و رهبران، خود تجسم امامت به این مفهومند. و به معنای ولایت، فرایند رهبری بدان مفهوم، فرع و شاخه آن شجره طیبیه است، که به این معنا نیز قرآن امامت اطلاق نموده است، در ادامه توصیف ویژگیهای «عیاد الرحمن» چنین آمده:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا طَيِّبَةً وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.»^۱

و کسانی که می گویند: پروردگارا ما از همسران و فرزندانمان نور چشم و مایه مسرت عطا کن و ما را امام اهل پروا قرار ده.

و بدین ترتیب امتی که در حصن ولایت رهبری الهی قرار گرفت خود امام می شود و به بیان قرآن:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.»^۲

و ما همچنان شما را امت میانه ای قرار دادیم تا امتی نمونه برای مردم باشید و پیامبر برای شما نمونه باشد.

ریشه کفر و انحطاط

همانطور که امامت و رهبری در مفهوم متعالیش، اساس اسلام و رمز شکوفایی استعداد های انسانی در همه زمینه ها است، در مفهوم منحطش نیز، ریشه کفر و انحطاط و انواع مفاسد فردی و اجتماعی می باشد.

یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام به نام محمد بن منصور می گوید که از آن حضرت تفسیر آیه ۳۱ از سوره اعراف را خواستم، متن آیه این است:

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ.»

ای پیامبر، بگو پروردگارا من تنها امور ناشایسته و پلید را تحریم فرموده، چه آشکارا و چه نهان.

امام در پاسخ فرمود:

«إِنَّ الْفَرَانَ لَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ فَجَمِيعُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي الْفَرَانِ هُوَ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُمَّةُ الْجَوْرِ وَجَمِيعُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ هُوَ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُمَّةُ الْحَقِّ.»^۳

تحقیقاً قرآن دارای معنای ظاهر و آشکار و معنای باطن و ناپیداست

همه آنچه را که خداوند در قرآن تحریم نموده، پلیدی آن سطحی و ظاهری است و باطن و روح آن پلیدی ها امام های جائز و ظالمند. و همه آنچه را خداوند در این کتاب حلال نموده، حلیت آن ظاهری است و باطن آن انشه حق است.

همان طور که ملاحظه می کنید، امام در تبیین مقصود از «ناشایسته های آشکار و نهان» که در آیه مذکور آمده، ابتدا به یک اصل کلی در تفسیر قرآن اشاره می کند که آیات قرآن دو بُعدی است، یک بُعد همان است که از ظاهر الفاظ آن فهمیده می شود و بُعد دیگر مربوط به باطن و عمق آیات می گردد، بنابراین قرآن را دو گونه می توان تفسیر نمود تفسیر ظاهر و تفسیر باطن.

تفسیر ظاهر آیه مذکور این است که: «خداوند اعمال زشت و ناروا را تحریم کرده است چه اینکه این اعمال به طور علنی و آشکار انجام شود و چه غیر علنی و به صورت پنهان.»

امام علیه السلام تأکید می کند که این آیه مثل سایر آیات قرآن علاوه بر معنایی که از ظواهر الفاظ آن استنباط می گردد، مفهوم دقیق دیگری دارد که در باطن و عمق این الفاظ نهفته است، و در تفسیر باطن آیه به صورت سر بسته، ریشه همه مفاسد اجتماعی و راه رسیدن به جامعه مطلوب انسانی و اسلامی را ارائه می فرماید که ریشه همه مفاسد و مظلالم و انحراقات و انحطاطات جامعه بشر، امامت و رهبری امام جائز است و تا این ام الفساد در امتی وجود دارد امید می برای اصلاح جامعه نیست، ولی قطع ریشه شجره خبیثه فساد و تباهی تنها اولین گام در راه تحقق آرمانهای اسلامی در ساختن امت نمونه است، گام دوم جایگزین کردن امامت عدل است که اساس اسلام بالنده و باطن برنامه تکامل انسان در اسلام شناخته شده است.

بنابراین حساس ترین لحظات در تاریخ انقلاب هنگامی است که امت می نتواند امامتی را جایگزین امامتی کند که اگر درست و دقیق عمل نشود، سرنوشت انقلاب، ارتجاع و بازگشت به فساد و تباهی است.

امام صادق علیه السلام در باره نقش امامت و جایگاه رهبری در تکامل و انحطاط جامعه چنین می فرماید:

«تَخُنْ أَضْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَمِنْ فُرُوعِنَا كُلُّ بُرٍّ، فَمِنْ أَيْبَرِ التَّوْحِيدِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَكُلِّ عَمَلٍ وَالْعَفْوِ عَنِ الْمَسِيءِ وَرَحْمَةِ الْفَقِيرِ وَتَعَدُّ الْجَارِ وَالْإِقْرَارَ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ.»

وَعَدْوِيَّ أَضْلُ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ فُرُوعِهِمْ كُلُّ قَبِيحٍ وَقَاجِبَةٍ فَمِنْهُمْ الْكِبَاثُ وَالْإِخْلُ وَالنَّبِيئَةُ وَالْفَطِيئَةُ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ قَالِ التَّبِيغِ بِغَيْرِ حَقِّهِ...»

بهبه در صفحه ۵۰

فَكَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مَعَنَا وَهُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفُرُوعٍ غَيْرِنَا.»^۶

ما اصل و اساس همه خیرات و نیکیها هستیم و هر خوبی، شاخه‌ای از شاخه‌های ما است، از جمله: توحید، نماز، روزه، فرونشاندن عشم، بخشیدن گنجه کار، مهربانی با نیازمند، مواظبت از همسایه و اعتراف به فضیلت برای اهل فضل.

و دشمن ما اصل و اساس همه شرور و زشتیها هستند، هر کار ناروا و زشت شاخه‌ای از شاخه‌های آنها است، از جمله: دروغگویی، بخل، سخن چینی، قطع رابطه با خویشاوندان و دوستان دینی، رباخواری، خوردن مال یتیم به ناحق و... پس کسی که ادعا می‌کند با ما است و پیرو ما، ولی به شاخه‌های دشمنان ما آویخته، دروغ می‌گوید.

بقیه از امام راحل و...

اغراض آن هزاران درهای الهیات بر روی او گشوده می‌شود و گنجینه‌های شفا و نجات و اشارات تعلیقات و غیر اینها به وی موهبت می‌گردد، و مشهور است که امیرالمؤمنین علیه السلام به ابوالاسود دلتی فرمودند: کلمات عرب بر سه قسم است: اسم، فعل، حرف، و برای هر یک از این سه، احکامی است از تعلیم این باب ابواب علم نحو بر روی ابوالاسود گشوده گشت و این همه مسائل بر آن بیان مترتب گردید.

و نوشته‌اند: شکل قطاع در هندسه که مانالانوس آن را استنباط کرد، بیش از ۴۹۰ هزار مسئله بر آن متفرع گردیده و شکل معنی را که ابونصرین عراق پس از آن استنباط کرد، همه آن مسائل بر این شکل به طریق آسانتر مترتب می‌شود، و از این شکل برای ریاضت‌نویسی بعدی اصولی فوق احصاء مفتوح گردید که در علوم مثلثات و نجوم و مساحات مورد استناد است.

غرض آن که شکلی را که مانالانوس مهندس در علم «اکر» اشکال کروی استخراج نمود و چارچوب استخراج وی همین قواعد تفکر و اندیشه بشری بوده، آن همه ابواب فواید و برکات بر روی صناعات و اختراعات مفتوح شد، پس چگونه است، انفتاح ابواب علوم الهامی که بیرون از چارچوب فکر بشری است؟! و هیچ گونه خطا و اشتباه در آن راه ندارد و برای صاحب آن علوم، روشن و بین است همان گونه که کف دستش برای او روشن و معلوم است چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «اعلم ذلك كما انظر الي كفى».

(اصول کافی- ج ۱ ص ۶۱)

ادامه دارد

طبق این روایت، رهبری امام حق اصلی ترین ارکان سیاسی اجتماعی اسلام و برنامه‌های تکامل انسان و همچنین رهبری امام باطل، اصلی ترین ریشه‌های کفر و عوامل انحطاط و سقوط بشر است، همه زیباییها و نیکیهای عقیدتی، اخلاقی و عملی، فروع رهبری امام حق و همه زشتیها و شرور و مفاصد عقیدتی اخلاقی و عملی شاخه‌های رهبری امام باطل است و تنها کسی می‌تواند در ادعای پیروی از رهبری امام حق، صادق باشد که به شرور و زشتیها که شاخه‌های رهبری امام باطل است متمسک نباشد.

ادامه دارد

- ۱- اصول کافی- ج ۱ ص ۲۰۰.
- ۲- تفسیر عیاشی- ج ۲ ص ۲۲۴.
- ۳- به کتب تفسیر مراجعه شود.
- ۴- سوره فرقان- آیه ۷۴.
- ۵- سوره بقره- آیه ۱۴۳.
- ۶- اصول کافی- ج ۱ ص ۳۷۴.
- ۷- روضة الکافی- حدیث ۳۳۶.

فرم تقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت قم- شعبه آموزش و پرورش حواله و فیش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسدار اسلام (قم- صندوق پستی ۳۷۷۷) ارسال فرمائید.

تذکره:

- ۱- بهای اشتراک یک سال ۲۴۰۰ ریال، دو سال ۴۸۰۰ ریال است.
- ۲- وجه اشتراک را می‌توانید از طریق تمام بانکهای کشور (بویژه بانک ملت) به حساب جاری فوق حواله نمائید.
- ۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته‌اید وجه اشتراک را توسط اداره پست به صورت بیمه پستی ارسال فرمائید.
- ۴- احتیاج به پریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را بشرح زیر در نامه‌ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.
- ۵- در صورت واریز وجه به بانک، حتماً فیش بانکی ارسال شود.

نام خانوادگی

آدرس

مایلیم به مدت سال از شماره با مجله پاسدار اسلام

مشترک شوم لذا مبلغ ریال توسط بانک به

حساب جاری فوق حواله و فیش بانکی را به پیوست ارسال می‌دارم.

«لطفاً در موقع تمدید و تغییر آدرس شماره اشتراک را قید فرمائید»